

شیوه مواجهه درست با مسائل در عرصه حکمرانی کدام است؟

ذهنیت مسأله محور؛ لازمه حل مشکلات

جعفر حسینیان
دکترای اندیشه سیاسی

یکی از ضرورت‌های عرصه حکمرانی تفکیک قائل شدن میان «مسأله» (Problem) و «مشکل» (Issue) است. مسأله متفاوت از مشکل است و برای فهم درست مشکل، باید ابتدا مسأله مرتبط با آن را یافت. بر این اساس می‌توان دو ذهنیت را تعریف کرد که یکی بر مسأله متمرکز است و دیگری بر مشکل؛ ذهنیت مشکل مدار، مشکلات را در قالب عبارت‌های کلی و انشایی فهم می‌کند. در این ذهنیت، عوامل و متغیرهای مؤثر در آن مشخص نیستند؛ لذا صاحبان این ذهنیت هیچ گاه درصدد پاسخ به مشکلات بر نمی‌آیند و صرفاً کنشی اعتراضی دارند. اما ذهنیت مسأله محور، مشکلات را نشانه‌هایی از وجود مسأله‌ها دانسته و حل مشکلات را منوط به تبدیل آنها به مسائل قابل پاسخ می‌سازد. به نظر می‌رسد که ضروری است در مواجهه با مسائل عرصه حکمرانی به عنوان طرحی برای رفع‌زدن آینده نظام جمهوری اسلامی به مثابه یک نظام تمدن‌زاه، ذهنیت مسأله محور مورد توجه قرار گیرد و سندهای راهبردی، سیاسی و کلان نیز با تأکید بر همین ذهنیت و فاصله گرفتن از ذهنیت مشکل مدار تدوین شوند. در این یادداشت ابعاد این موضوع توضیح داده شده است.

ذهنیت مشکل مدار

ذهنیت «مشکل مدار» ذهنیتی لحظه‌نگر و نقطه‌نگر است. این ذهنیت کژی‌ها، کاستی‌ها و ناشایستی‌ها را در قالب عبارت‌های کلی و بیشتر انشایی فهم می‌کند. با توجه به تعریفی که پیش‌تر از مشکل ارائه شد، به دلیل مشخص نبودن تمام عوامل و متغیرهای مؤثر در مسئله آمدن مشکل، ذهنیت مشکل مدار به نوعی ساده‌انگاری و تقلیل‌گرایی دچار است. این ساده‌انگاری در درجه اول مانع از فهم درست مشکل و چیرستی آن می‌شود و بالطبع، ارائه هرگونه راهکار درست و دقیق را غیرممکن می‌سازد. حتی ممکن است همین ساده‌انگاری منجر به کج‌فهمی مشکل شود و در نتیجه راهکارهایی هم که ارائه می‌شوند، راهکارهایی ناقص باشند که نه تنها به حل مشکل کمک نمی‌کنند، بلکه آن را وخیم‌تر نیز می‌سازند. صاحبان ذهنیت مشکل مدار هیچ‌گاه درصدد پاسخ به کژی‌ها، کاستی‌ها و ناشایستی‌ها بر نمی‌آیند، چون به وجود مشکل به عنوان نتیجه‌ای از مجموعه اتفاقات نگاه نمی‌کنند و تنها آن را امری نامطلوب می‌دانند که باید به همین خاطر دفعی از میان برود. به همین خاطر اغلب صاحبان این ذهنیت، وجهه‌ای اعتراضی دارند. تجویزهای

جست‌وجوگر و پژوهشگر، عمل خود را به پاسخگویی در جهت رفع نایبامی‌ها معطوف می‌سازد. نکته‌ای که در اینجا لازم است مورد توجه قرار گیرد، تفکیک قائل شدن بین ذهنیت مسأله محور و ذهنیت پوزیتیویستی است. باید توجه داشت که ذهنیت «پوزیتیویستی» همه چیز از جمله امور اجتماعی را فیزیکیال و قابل سنجش و مبتنی بر تجربیات حسی می‌داند. اما ذهنیت مسأله محور، ذهنیتی است که کار خود را با مشاهده مشکل آغاز می‌کند و از طریق مشکلات، به مسأله مرتبط با مشکل می‌رسد و در طلب پاسخ به آنها برمی‌آید. نقطه تمایز ذهنیت مسأله محور با ذهنیت پوزیتیویستی آن است که در ذهنیت مسأله محور، داده‌ها به تجربیات حسی محدود نمی‌شوند. نکته مهم دیگر آن است که در خصوص تدوین اسناد راهبردی در نظام، آنچه در ذهنیت مسأله محور اهمیت دارد، نسبت اهداف با زمینه‌هاست؛ از آنجایی که در تدوین اسناد راهبردی تجویزها غالباً به صورت اهدافی هستند که قرار است در آینده تحقق پیدا کنند، لازم است تا نسبت اهداف و زمینه‌ها مشخص شود. به نظر می‌رسد که از نظر ترتیب، زمینه‌ها بر اهداف مقدم هستند و مشخص کردن اهداف با توجه به زمینه‌ها صورت می‌گیرد. زمینه‌ها نیز خود شامل مجموعه مؤلفه‌های گوناگونی است که از جمله آنها می‌توان به موانع، چالش‌ها، فرصت‌ها و نقاط قوت اشاره کرد.

مقایسه دو ذهنیت

شیوه مواجهه با مشکلات: شناخت هر موضوع، مستلزم شناخت ارتباطات آن با سایر موضوعات است. باید بین شناخت علمی و شناخت‌های غیرعلمی، سطحی و عمیقانه تفکیک قائل شد. مقصود از شناخت غیرعلمی، همان شناخت عام و سطحی است که عموم افراد از پدیده‌ها و جهان بیرون خود به دست می‌آورند. معرفت غیرعلمی عموماً تقلیدی، ابهام‌آمیز و غیراستدلالی است و از زبان‌های نظری بهره نمی‌برد. اگرچه شناخت سطحی

به پاسخگویی در جهت رفع نایبامی‌ها معطوف می‌سازد. نکته‌ای که در اینجا لازم است مورد توجه قرار گیرد، تفکیک قائل شدن بین ذهنیت مسأله محور و ذهنیت پوزیتیویستی است. باید توجه داشت که ذهنیت «پوزیتیویستی» همه چیز از جمله امور اجتماعی را فیزیکیال و قابل سنجش و مبتنی بر تجربیات حسی می‌داند. اما ذهنیت مسأله محور، ذهنیتی است که کار خود را با مشاهده مشکل آغاز می‌کند و از طریق مشکلات، به مسأله مرتبط با مشکل می‌رسد و در طلب پاسخ به آنها برمی‌آید. نقطه تمایز ذهنیت مسأله محور با ذهنیت پوزیتیویستی آن است که در ذهنیت مسأله محور، داده‌ها به تجربیات حسی محدود نمی‌شوند. نکته مهم دیگر آن است که در خصوص تدوین اسناد راهبردی در نظام، آنچه در ذهنیت مسأله محور اهمیت دارد، نسبت اهداف با زمینه‌هاست؛ از آنجایی که در تدوین اسناد راهبردی تجویزها غالباً به صورت اهدافی هستند که قرار است در آینده تحقق پیدا کنند، لازم است تا نسبت اهداف و زمینه‌ها مشخص شود. به نظر می‌رسد که از نظر ترتیب، زمینه‌ها بر اهداف مقدم هستند و مشخص کردن اهداف با توجه به زمینه‌ها صورت می‌گیرد. زمینه‌ها نیز خود شامل مجموعه مؤلفه‌های گوناگونی است که از جمله آنها می‌توان به موانع، چالش‌ها، فرصت‌ها و نقاط قوت اشاره کرد.

ذهنیت «مشکل مدار» تنها بر ناحیه قابل مشاهده از مشکل متمرکز است و به همین خاطر تصویری از مجموعه اتفاقات قبلی منتهی به مشکل ندارد. بازنمایی این ابهام در فضای عمومی جامعه به صورت نوعی یأس و ناامیدی است که تصور ناتوانی از حل مشکلات را به وجود می‌آورد. اما ذهنیت «مسأله محور» مشکلات را ذاتی نمی‌داند؛ به همین خاطر به انفعال دچار نشده و درصدد یافتن راهکار و حل مشکلات برمی‌آید

توصیفی ناظر به علل و زمینه‌ها و دیگری رویکرد توصیفی ناظر به پیامدها. اما رویکرد توصیفی عام هیچ کدام از این دو ابزار نوعی رضایتی است که به راهکار ختم نخواهد شد. روشن است که رویکرد توصیفی نسبت به مشکل به خودی خود نامطلوب نیست و مقدمه‌ای برای حل آن به شمار می‌رود، اما منظور از رویکرد توصیفی عام، توصیف «هست»ها بدون درنظر گرفتن عوامل علی آنها است. دولتمردان، مدیران، نجیبان فکری، دانشجویان و افراد جامعه در سطوح مختلف در صورتی که با ذهنیت مشکل مدار به مشکلات نگاه کنند، رویکردشان نسبت به کژی‌ها، کاستی‌ها و ناشایستی‌ها، انشایی، توصیفی و اعتراضی خواهد بود.

تفاوت در ماهیت اعتراض: باید دقت داشت که بعد از رخوت چندصدساله که پس از صفویه بر ایران عارض شد، جامعه ایرانی شاهد یک دوره طولانی و تاریخی تفوق رویکرد «مشکل مدار» به عنوان پارادایم اصلی در ذهنیت تاریخی خود بوده است. لذا عمل منتج از این ذهنیت، که در قالب اعتراض بوده رانیز می‌توان یک عمل تاریخی دانست.

نحوه توصیف و درک موضوع: به طور کلی دو حالت برای رویکرد توصیفی می‌توان در نظر گرفت؛ یکی رویکرد



دولت سیزدهم از ابتدای فعالیت خود سعی کرده در مواجهه با مشکلات موجود، با اتکا به ذهنیت مسأله محور آنها را ریشه یابی و در جهت حل بنیادین آنها اقدام کند

عملی که در سیر تطور خود به عنوان یکی از عادات فرهنگی خود را رشد و نمو داده است. البته باید دقت داشت که این جنس اعتراض که منتج از ذهنیت «مشکل مدار» است، با اعتراض مداوم که در فرهنگ شیعه وجود دارد، یکسان انگاشته نشود. بخش قابل توجهی از روحیه اعتراضی حاکم بر جامعه ایرانی منتج از فرهنگ شیعی است؛ این می‌کند و به کمتر از آن قانع نیست. این در ظهور و جامعه مهدوی جست‌وجو فرهنگی که سپهر و آرمان شهر خود را می‌کند و به کمتر از آن قانع نیست. این فرهنگ عمل خود را از عاشورا استنتاج می‌کند و عاشورا به مثابه دینامیسم تاریخی آن را به پیش می‌برد. اعتراض شیعی اعتراضی مداوم، پیش‌برنده و آفق‌آفرین است که می‌توان آن را «قیام دائم» نامید. این قیام مستمر از ذهنیت «مسأله محور شیعی» در جست‌وجوی الگویی برای گذار به حکومت عدل مهدوی، حاصل شده است.

جمع‌بندی

شکل‌گیری و ظهور انقلاب اسلامی در جامعه نایبامان آن روز عملی بود که با سوی صاحبان این ذهنیت که بتدریج در حال عمومی شدن بود، بروز کرد؛ عملی

مستقیم و جبهه‌ای با دشمن در گردنه حسن‌آباد و تنگه چهارزبر، با هلی‌برن رزمندگان اسلام به پشت دشمن در سه‌راهی اسلام‌آباد و گردنه پاتاق، شیرازه سازمانی دشمن به هم ریخت و تصمیم‌گیری میدانی سردرگمی و بهم ریختگی روبه‌رو ساخت.

سرعت عمل در طرح و اجرای عملیات مرصاد از جمله مواردی است که نیازمند بررسی دقیق و کارشناسی است که در این نوشته کوتاه مجال پرداختن به آن نیست و فقط به آن اشاره شده است. نکته قابل توجه اینکه در این مقطع اکثر یگان‌های اصلی سپاه در منطقه جنوب در حال مقابله با حملات مجدد صدام بوده و تنها بخش کمی از برخی از یگان‌ها که عموماً نیز از عناصر پشتیبانی بودند در محدوده و مسیر حمله منافقین حضور داشتند، اما سپاه پاسداران با سازماندهی همین رزمندگان و بکارگیری آنها در قالب چند یگان، واکنش سریع خود را به منصفه ظهور گذاشت.

همچنین تلاش‌های نیروهای هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی در هماهنگی با سایر رزمندگان بسیار مؤثر و در قلع و قمع دشمن کارآمد بوده است.

نوآوری و خلاقیت: باینکه فرصت طرح‌ریزی و اجرای این عملیات بسیار محدود بود اما فرماندهان جوان سپاه با استفاده از تفکر انقلابی، برابر طرحی خلاقانه ابتدا ایجاد شکاف در سازمان رزم منافقین و برش ستون نظامی آنها را که با اتکا به جاده اصلی در حال پیشروی بودند، با عملیاتی کرده و با استفاده از ضرب و شتم و کشتار مردم‌عادی در مناطقی مثل کرند و اسلام‌آباد غرب، خشم رزمندگان اسلام و مردم منطقه به اوج رسید و رزمندگان اسلام در عین حال که با مردم در نهایت مهربانی برخورد می‌کردند اما برخوردشان با

دشمن چنان شدید بود که ترجمه و تفسیر آیه: مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَرَاءِ رَحْمَةً بَيْنَهُمْ... را در ذهن تداعی می‌کرد.

به دلیل شرایط مطلق پایانی جنگ و درگیری رزمندگان اسلام در جبهه‌های مختلف انعطاف سازمانی در سپاه پاسداران بسیار کارآمد جلوه کرد. به طوری که در برخی از محورهای نیروهای پشتیبانی رزمندگان بومی خودشان به هسته‌های موجود سازمان رزمی موجود منطقه پیوسته و علیه منافقین وارد عمل شدند. علاوه‌بر این انجام چند مرحله‌هلی‌برن نیروهای پیاده از جمله عوامل تسهیل‌کننده عملیات و شکست منافقین شد.

شدت عمل: پس از ورود سازمان منافقین به خاک جمهوری اسلامی و ضرب و شتم و کشتار مردم‌عادی در مناطقی مثل کرند و اسلام‌آباد غرب، خشم رزمندگان اسلام و مردم منطقه به اوج رسید و رزمندگان اسلام در عین حال که با مردم در نهایت مهربانی برخورد می‌کردند اما برخوردشان با



دشمن آغاز کردند. این عملیات که با هدایت و فرماندهی سرلشکر شهید شوشتری فرمانده قرارگاه نجف اشرف لحظه به لحظه منسجم‌تر می‌شد، ضمن تسهیل در شرایط عملیات، منافقین را با یک سردرگمی و بهم ریختگی روبه‌رو ساخت.

محدودی که در منطقه داشتند و با انگیزه‌ای مضاعف در هر محدوده‌ای که به دشمن دسترسی داشتند وارد عمل شده و ترکیب رزمندگان عملیاتی سپاه و بسیج با پشتیبانی‌های دقیق خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، انجام عملیات را با موفقیت قابل ملاحظه‌ای هم در شدت، هم در سرعت و هم در دقت روبه‌رو کرد.

انعطاف‌پذیری: در این عملیات به دلیل شرایط مطلق پایانی جنگ و درگیری رزمندگان اسلام در جبهه‌های مختلف انعطاف سازمانی در سپاه پاسداران بسیار کارآمد جلوه کرد. به طوری که در برخی از محورهای نیروهای پشتیبانی رزمندگان بومی خودشان به هسته‌های موجود سازمان رزمی موجود منطقه پیوسته و علیه منافقین وارد عمل شدند. علاوه‌بر این انجام چند مرحله‌هلی‌برن نیروهای پیاده از جمله عوامل تسهیل‌کننده عملیات و شکست منافقین شد.

شدت عمل: پس از ورود سازمان منافقین به خاک جمهوری اسلامی و ضرب و شتم و کشتار مردم‌عادی در مناطقی مثل کرند و اسلام‌آباد غرب، خشم رزمندگان اسلام و مردم منطقه به اوج رسید و رزمندگان اسلام در عین حال که با مردم در نهایت مهربانی برخورد می‌کردند اما برخوردشان با

به مناسبت سالگرد عملیات غرور آفرین مرصاد

ضربه نهایی بر پیگر پوسیده منافقین

یحیی نیازی
پژوهشگر حوزه دفاع مقدس

۳۵ سال پیش در چنین روزهایی نبردهای سخت و نابرابری در جبهه‌های جنگ ایران و عراق در جریان بود. در بیست و هفتم تیرماه ۱۳۶۷ قطعه‌نامه ۵۹۸ مورد پذیرش رسمی جمهوری اسلامی واقع شد و ایران یکپارچه و مصمم تحت رهبری امام خمینی (ره) به دنبال اجرای مفاد آن بود. بنابراین اقدامات اولیه از جمله عقب‌نشینی اختیاری از منطقه عمومی حلبچه را شروع کرد، اما در مقابل رژیم بعثی صدام که در طول ۸ سال جنگ تحمیلی همواره نقض معاهدات بین‌المللی را دنبال کرده بود، بار دیگر از حسن نیت ایران، سوءاستفاده و از جبهه‌های مختلف حملاتش را آغاز کرد. در دوره تهاجمات پایان جنگ، که با چشم‌پوشی کامل صدام از پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ همراه بود، رهبر حزب بعث عراق، سازمان منافقین را که در آن ایام به طور کامل به خدمت دشمن در آمده بود را تجهیز و آنان با اجرای یک آتش تویه سنگین توپخانه‌ای، از مرز خسروی روانه مرزهای ایران کرد.

منافقین نیز در روز سوم مرداد ماه ۱۳۶۷ در حالی که عمده یگان‌های رزم سپاه در جبهه‌های جنوبی و میانی در حال مقابله با نیروهای بعثی صدام بودند، با پشتیبانی آتش هوایی و توپخانه‌ای ارتش بعث حمله به سمت کرمانشاه را اجرا کردند، اما فرماندهان و رزمندگان اسلام پس از درک شرایط و اشراف نسبی اطلاعات عملیات مرصاد را علیه دشمن طرح‌ریزی تجدیلی کرده و در منطقه عمومی عملیات یعنی در طول جاده کرمانشاه تا قصر شیرین به اجرا در آوردند و در پنجم مردادماه ۱۳۶۷ چنان ضربه سنگینی بر پیگر پوسیده سازمان منافقین وارد کردند که بقایای این شجره ملعونه هنوز سنگینی آن شکست تلخ و خفت‌بار را بر کرده خود حس می‌کنند.

صرف‌نظر از درس‌های مهم عملیاتی و نظامی، این عملیات نه تنها شکست سنگینی بر دشمن وارد کرد بلکه دستاوردهای مهمی هم به دنبال داشت. اگرچه به دلیل مسائل مرتبط با پذیرش قطعه‌نامه و آتش بس، مقطع پایان جنگ عموماً با عملیات مرصاد خصوصاً مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است اما واقعیت این است که این عملیات در ابعاد مختلف دارای برجستگی بوده و قابل ملاحظه است که با بررسی دقیق‌تر این حماسه بزرگ می‌توان پی برد که این نبرد تاریخی به لحاظ تاکتیک، تکنیک، نوآوری و سرعت عمل در زمره تجارب ماندگار دفاع مقدس قرار دارد که همچنان درس آموز و قابل انتقال به نسل بعدی است.

آنچه در پی می‌آید واکوی همه‌جانبه عملیات مرصاد نیست؛ بلکه مدخل ورود و فتح بابی است برای اینکه پژوهشگران و نویسندگان فعال در حوزه‌های پژوهشی دفاع مقدس به بررسی دقیق‌تر آن همت گمارند. بنابراین در سه موضوع به طور مختصر ابعاد این عملیات مرور می‌شود.

جایگاه عملیات مرصاد در روزهای پایانی جنگ

سرعت در طرح‌ریزی و اجرا؛ چند نفر از فرماندهان ارشد سپاه پس از درک شرایط منطقه و اجرای عملیات توسط منافقین به سرعت خود را به

کرمانشاه رسانده و با ایجاد قرارگاه فرماندهی در محل بیمارستان امام حسین (ع) و حضور میدانی در صحنه نبرد، نیروها و رزمندگان موجود منطقه را سازماندهی کرده و بلافاصله عملیات مرصاد را علیه